

بررسی بازتاب مفاهیم و اصطلاحات نقد ادبی و سبک‌شناسی در شعر بیدل و کلیم

دکتر عسگر صلاحی^۱

پیام فروغی‌راد^۲

چکیده

سبک هندی یکی از مهم‌ترین سبک‌های شعر فارسی است که در ایران و هند جریان داشت. از مهم‌ترین خصیصه‌های شعری شاعران این سبک، پرداختن به مباحث نقد ادبی و سبک‌شناسی است. می‌توان گفت شاعر سبک هندی، منتقد ادبی است که دیدگاه‌های بلاغی خود را در قالب یک مصرع یا یک بیت بیان کرده‌است و بیدل و کلیم از جمله‌ی این شاعران هستند. این دو شاعر بزرگ سبک هندی با وجود تربیت یافتن در دو جایگاه مختلف، در نقش شاعر نظریه پرداز و منتقد ادبی، در اغلب موارد دارای دیدگاهی یکسان هستند. هر دو با دقایق شعری آشنا بودند و به ارزیابی و نکته‌سنجی‌های ارزنده‌ای درباره‌ی فنون شاعری پرداخته‌اند و در برخی موارد از اصطلاحات ادبی مضمون‌آفرینی کرده‌اند. در پژوهش حاضر، کوشش شده است با آوردن شواهدی از اشعار بیدل و کلیم، ابتدا به اثبات آشنایی این دو شاعر با فنون نقد ادبی و مباحث سبک‌شناسی، و سپس به تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌های این دو شاعر بزرگ پرداخته شود.

واژگان کلیدی: سبک هندی، بیدل، کلیم، نقد ادبی، سبک‌شناسی، معنی.

مقدمه

سبک هندی، جریانی در شعر است که نخستین جلوه‌های آن از قرن دهم در شعر فارسی آشکار شده است. این سبک تا اواسط قرن دوازدهم در ادبیات فارسی رواج داشت. از عوامل پیدایش این سبک می‌توان به مذهب، سفر شاعران به هند، توسعه‌ی اصفهان که محل اجتماع فضلا بود، رفاه اقتصادی و علاقه‌ی شاهان صفوی به فرهنگ اشاره کرد (شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۸۴-۲۸۷). این سبک «به طور طبیعی نتیجه‌ی گریز از ابتدالی بود که در عصر تیموری بر شعر فارسی حاکم بوده است و این گریز از ابتدال در ادای معانی و تصویرهای ذهنی شاعران در شعر صائب و کلیم به نسبت روزگارشان، از روشنی و اعتدال برخوردار است و با اندک فاصله‌ی زمانی در شعر بیدل به گونه‌ای آمده است که امروزه خواننده‌ی آگاه را نیز دچار شگفتی می‌کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۶). سبک هندی در میان شاعران فارسی‌گوی ایران و هند رواج داشت و «دو شاخه‌ی مشخص دارد که از حیث سبک‌شناختی، شاخصه‌های کاملاً جداگانه و مستقلی دارند. سلامت زبان و فصاحت کلام، وضوح و روشنی ترکیبات و تصاویر در شاخه‌ی ایرانی نسبت به شاخه‌ی هندی بسیار بیشتر است» (حسن‌پور، ۱۳۸۴: ۱۹). از ویژگی‌های غزل شاعران گروه اول یعنی شاعران تربیت یافته در ایران، می‌توان به قابل فهم بودن اشعار آنان، وحدت موضوعی و انسجام معنایی و پیوند ابیات غزل آنان اشاره کرد. از شاعران بزرگ این گروه می‌توان به صائب، کلیم و حزین لاهیجی اشاره کرد. از ویژگی‌های غزل گروه دوم که از آنان با عنوان «رهروان طرز خیال» یاد می‌شود، می‌توان به دشواری فهم ارتباط دو مصرع و بنای شعر بر تک بیت بودن اشاره کرد و از شاعران بزرگ این گروه که در هند تربیت یافته‌اند، می‌توان به بیدل، میرزا جلال الدین اسیر شهرستانی و قدسی اشاره کرد (شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۹۱-۲۹۲).

یکی از مباحث مطرح شده در شعر شاعران این سبک، تحلیل انتقادی آثار ادبی (نقد ادبی) و پرداختن به مسائل سبک‌شناختی است. این امر ارزش اشعار شاعران سبک هندی را دوچندان کرده است. «در مجموعه‌ی آثار منظوم و مثنوی این سبک-که از قضا بسیار متنوع و فراوان است- تقریباً تمامی نکته‌های مرتبط با حوزه‌های ریز و درشت نقد ادبی را می‌توان یافت؛ از کوچکترین مسائل مربوط به نحوه‌ی استعمال حروف اضافه، قیود، افعال ساده و مرکب تا شیوه‌های کارکرد مباحث بلاغی و سبکی و زبانی و طرح ساختار ادبی، همه به گونه‌ای در این آثار - به دقت و ظرافت - مطرح شده است» (مجتبی، ۱۳۸۸: ۸۴۵). این آرا و مباحث «که گاه مبین تجربه‌ای بسیار ژرف و عمیق

است عمدتاً در قالب یک مصرع یا یک بیت سروده شده است و در برخی از موارد با آراء نظریه پردازان بزرگ جهان مشابَهت‌هایی دارد» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

بیدل دهلوی و کلیم کاشانی از جمله‌ی بزرگترین شاعران سبک هندی هستند که اشعار زیادی را از خود به یادگار گذاشته‌اند. این دو شاعر همچون اغلب شاعران سبک هندی با اصطلاحات، فنون ادبی و سبک‌شناسی آشنایی داشته‌اند و دیدگاه‌های خود را در قالب بیت یا مصرع بیان کرده‌اند. مطالعه‌ی این دیدگاه‌ها به لحاظ شناخت بهتر سبک این شاعران الزامی است. به جهت دست یافتن به این مهم، به بررسی دیدگاه‌های بیدل و کلیم در این خصوص می‌پردازیم:

بیدل دهلوی

«میرزا عبدالقادر عظیم آبادی متخلص به «بیدل» فرزند عبدالخالق در سال ۱۰۵۴ هجری قمری در عظیم آباد پتنه متولد شد و نژاد او از قوم برلاس یا ارلاس جغتایی بود، بیشتر عمرش را در بنگاله به سر برد و در دهلی وفات یافت (سوم صفر ۱۳۳۳ ه.ق) و در همین شهر در صحن‌خانه‌ی خویش به خاک سپرده شد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۱). بیدل نماینده‌ی سبک هندی در هند و «بزرگترین شاعر پارسی‌گوی هند است اشعار او به تعقید معروف است. غزلیات او بر خلاف اکثر غزلیات شاعران سبک هندی که به غزل عاشقانه نزدیک است، جنبه‌ی عرفانی دارد» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۹۵). «این گوینده‌ی پرکار و نازک اندیش قرن یازدهم و دوازدهم، راه و رسمی را که پیشینیان او، از یکی دو قرن پیش از او، بنیاد نهاده بودند با مجموعه آثار خویش به مرحله‌ای رسانید که هریک از خصایص شعری گویندگان این اسلوب را باید به گونه‌ای روشن‌تر و مشخص‌تر در آثار او جستجو کرد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۵). شاعران و نویسندگان فارسی‌گوی در هند به دو دلیل به بیدل اعتقاد دارند: یکی به جهت اینکه بیدل صاحب کمالات و دارای مشرب عرفانی بود و دیگر به جهت اینکه وی از بزرگترین شاعران پارسی‌گوی در هند به شمار می‌رفت (صفا، ۱۳۸۴: ۵۳۷). از آثار بیدل می‌توان به نکات و مراسلات و مثنوی‌های عرفات، طلسم حیرت، طور معرفت، محیط اعظم و تنبیه المهوسین اشاره کرد. یکی از ویژگی‌های شعری بیدل، پرداختن به مسائل سبک‌شناسی و نقد ادبی بوده است. بیدل در موارد گوناگونی به این نکات اشاره، و دیدگاه‌های خود را در این باره بیان کرده است و گاهی اوقات نیز از لغات و ترکیبات مربوط به سبک‌شناسی مضمون آفرینی کرده است و ما در زیر به بررسی دیدگاه‌های بیدل در این رابطه می‌پردازیم:

طرز تازه

بیدل، سبک هندی و شیوه‌ی شعری خود را طرز تازه نامیده است. طرزی که از شیوه‌ی قدما کاملاً متمایز است. این طرز بدون تأمل و تکلف در سرودن شعر امکانپذیر نیست:

بی جگر خوردن بهار طرز نتوان تازه کرد غوطه تا در خون نزد فطرت سخن رنگین نشد
(بیدل، ۱۳۸۶: ۱۰۱۰)

شعر

از دیدگاه بیدل، یکی از دلایل بی‌ارزشی شعر، عدم وجود طبع لطیف است:

تا لطافت از طبایع رفت شعر از رتبه ماند مشتری گردید سنگ و قیمت کالا شکست
(همان، ۵۲۷)

و تأمل در سرودن شعر را باعث روانی آن می‌داند:

در تأمل بیشتر دارد روانی شعر من مصرعم از سخته جز شمشیر لنگردار نیست
(همان، ۵۶۷)

بیت

در شعر بیدل، مبنای سخن بر پایه‌ی بیت است. بیت در شعر او و دیگر شاعران سبک هندی از دو قسمت تشکیل شده است. «آنان به مصرع معقول که مهم نیست «پیش مصرع» و به مصرع محسوس که باید هنری باشد «مصرع» می‌گفتند، که اگر درخشان بود مصرع برجسته خوانده می‌شد» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۹۰). از دیدگاه بیدل، در وضع بیت، دو مصرع با هم ارتباط دارند و برقرار ساختن این ارتباط همراه با تکلف است:

بی تکلف نیست موقوف دو مصرع وضع بیت چون دو در مربوط هم شد خانه موزون می‌شود
(بیدل، ۱۳۸۶: ۱۰۳۹)

وی معتقد است که این ربط، با توجه به واژه‌ها و حروف برقرار می‌شود و به همین جهت باید برای برقرار ساختن این ارتباط، از واژه‌ای مناسب استفاده کرد:

عیش صد دانا ز یک نادان منغض می‌شود ربط مصرع بر هم است آنجا که حرفی کور شد
(همان، ۱۱۵۷)

از آن جهت که مصرع برجسته باید تازه و بدیع باشد، آن را مصرع تازه نامیده است:

مصرع تازه که از بحر خیالم موجیست دوست را آب حیات است و به دشمن تیغ است
(همان، ۵۱۵)

منظور اصلی شاعران سبک هندی، در مصرع برجسته بیان می‌شد. بیدل به طریق ایجاز و بدون آوردن واژه‌ی «برجسته» به این نکته اشاره کرده است:

ما ز صد دیوان به یک مصرع قناعت کرده‌ایم نشئه صهبا چه دارد فطرت بیدل بلند
(همان، ۱۱۹۵)

مضمون

از دیدگاه بیدل، مضمون مهمتر از لفظ است و لفظ نمی‌تواند مضمون را در خود مقید سازد؛ زیرا مضمون دارای نزاکتی است که پرده‌ی لفظ نمی‌تواند آن را بپوشاند. با وجود این، مضمون‌های خیالی به واسطه‌ی عبارت آشکار می‌شود:

بس که وحشت کرده است آزاد مجنون مرا لفظ نتواند کند زنجیر مضمون مرا
(همان، ۱۴۵)

گفتگو گر ندرد پرده کسی اینجا نیست همه مضمون خیالی ز عبارت فاشند
(همان، ۹۷۷)

معنی

شاعران سبک هندی بیشتر بر معنی تأکید داشتند به همین دلیل الفاظ کوچکی و بازار را وارد شعر کردند. بیدل از شاعران می‌خواهد به جای لفظ پردازی، به معنا روی بیاورند. از دیدگاه وی دل محل معنا و لب محل عبارت است. معانی هنگامی بر دل شاعر الهام می‌شود که دل دارای صفا باشد و از تیرگی‌ها به دور مانده باشد:

نشستی عمرها حسرت کمین لفظ پردازی ز خون گشتن زمانی غازه شو حسن معانی را
(همان، ۱۵۵)

همین غیب و شهادت فرق دارد معانی در دل و بر لب عبارت
(همان، ۵۰۲)

بی کسب صفا صید معانی چه خیالیست تا سنگ بود شیشه پریخانه نباشد
(همان، ۱۰۶۹)

بیدل بر این نکته واقف بوده است که معانی شعر او و دیگر شاعران سبک هندی، دارای پیچیدگی است و قابل فهم برای همگان نیست و این امر بیشتر به جهت مضمون‌سازی‌های دور و دراز آنان بوده است:

بیدل از فهم کلامت عالمی دیوانه شدای جنون انشا دگر فکر چه مضمون می‌کنی
(همان، ۲۲۴۱)

از آن جهت که معنی در نزد بیدل و شاعران این سبک اعتبار زیادی داشت، وی برای معنی صفت‌های گوناگونی برشمرده است:

معنی باریک

شاعران سبک هندی به معنای باریک و ظریف روی آورده بودند. این امر درک مفهوم شعر را دشوار کرده بود. با وجود اینکه بیدل از جمله شاعرانیست که به معنی باریک توجه داشت، این عمل را عیب می‌داند:

عیب ما رنگین خیالان معنی باریک ماست عرض نقصان تا دهد از رگ زبان دارد عقیق
(همان، ۱۵۴۹)

معنی برجسته

اگر معنی لطافت و باریک اندیشی تازه‌ای داشت، از آن به «معنی برجسته» یاد می‌کرد که این حالت اوج شعر و شاعری است:

معنی برجسته شوقم نمیگنجد به لفظ همچو بوی گل نگردهد پیرهن عریان مرا
(همان، ۲۱۸)

نهال گلشن قدر سخنوری بیدل به قدر معنی برجسته گردن افزاز است
(همان، ۵۴۳)

معنی بیگانه

از دیدگاه شاعران سبک هندی «شعر باید از نظر زبان، بیان، مضمون و معنا، تازه و نوآیین باشد و پیش از شاعر، کسی چنین شیوه و شگردی را به کار نگرفته باشد. شعری که بر پایه‌ی زبان و نگاه مستعمل پیدا شده باشد، مبتذل است و هنری نیست. معنی بیگانه و طرز غریب است که به شعر و شاعر، تشخیص و هویت می‌بخشد» (مجتبی، ۱۳۸۸: ۸۴۷). بیدل معنی بیگانه را مترادف با «آشنایی زایی» امروزی به کار برده است:

خیال مصرع یکتایش بیپرده می‌گردد به مضمونی که خود را معنی بیگانه می‌سازم
(بیدل، ۱۳۸۶: ۱۹۳۱)

از دیدگاه شاعران سبک هندی «زبان شعر باید زبان عصر باشد و تصویرها و اندیشه‌ها بی‌سابقه و غریب و نادر. مجموعه‌ی تعبیرات اینها از قبیل «غرابت»، «غریب»، «معنی غریب» و «معنی بیگانه» نشان دهنده‌ی تصویری است که از مقوله‌ی آشنا زدایی داشته‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۵۰).

معنی رنگین

بیدل در برابر لفظ موزون، از معنی رنگین سخن گفته است که می‌توان گفت مترادف با معنی برجسته است:

در تمیز آب و رنگ سرو و گل عاری مباش لفظ موزون دیگر است و معنی رنگین دگر
(بیدل، ۱۳۸۶: ۱۳۹۳)

سکته خوانی

بیدل در حوزه‌ی موسیقیایی شعر از «سکته خوانی» سخن گفته است. به عقیده‌ی او یکی از دلایل افول معنی کلام، سکته خوانی است:

سخن شد داغ دل چون شمع از آتش بیانی‌ها
معانی مرد در دوران ما از سکته خوانی‌ها
(همان، ۲۳۶)

از دیدگاه وی سکته باعث می‌شود که روانی شعر از بین برود:

بیدل نکند موج گهر شوخی جولان
در سکته شکسته است قدم شعر روانم
(همان، ۱۹۴۷)

کلیم

میرزا ابوطالب کلیم همدانی معروف به طالبا در سال ۹۹۰ هجری قمری در همدان متولد شد و در کاشان اقامت برگزید. در ایام جوانی به هند مسافرت کرد و بعد از چندی به ایران بازگشت. پس از سفر دوّم خود به هند، در آنجا سکونت کرد و در سال ۱۰۶۱ در کشمیر درگذشت. یکی از شاعران هندی به نام غنی کشمیری که معاصر کلیم بود، در باره‌ی ماده تاریخ وی چنین سروده است: «طور معنی بود روشن از کلیم» (شمس لنگرودی، ۱۳۶۷: ۱۴۰) که براساس حروف ابجد برابر با سال ۱۰۶۱ است.

کلیم از بزرگترین شاعران گروه اول سبک هندی است که ابیات غزل او نسبت به شعر شاعران گروه دوّم همچون بیدل، از سادگی و روشنی برخوردار است. از آثار وی می‌توان به «دیوان کلیم» مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند اشاره کرد. از دیگر آثار او منظومه‌ی شاهجهان‌نامه است که در مورد جنگها و فتوحات امیر تیمور گورکان و سرگذشت اولاد اوست (همان، ۱۶۳). کلیم همچون بیدل و اغلب شاعران سبک هندی با مباحث سبک‌شناسی و نقد ادبی آشنایی داشته است و در اشعار خویش آنها را بیان کرده است که به آن اشاره می‌کنیم:

طرز تازه

سبک هندی نتیجه‌ی ابتذال و کسادبود که در شعر شاعران دوره‌ی پیشین به وجود آمده بود. کلیم نسبت به این مسأله آگاه بود و می‌دانست که سبک جدید می‌تواند برای اهل سخن قابل پذیرش باشد:

گر متاع سخن امروز کسادست کلیم
تازه کن طرز که در چشم خریدار آید
(کلیم، ۱۳۶۹: ۳۶۶)

از دیدگاه کلیم، شعر فرزند شاعر است و به آن افتخار می‌کند (همان، ۴۱۷). و اگر شعر وحی و الهام نیز باشد به سخن فهمان محتاج است. از آن جایی که کلیم جزء شاعران تربیت شده در ایران بود، شعرش نسبت به شاعران تربیت شده در هند، از سادگی بیشتری برخوردار است:

کلیم از شعر رنگین نیست بیت ساده می‌گوید
عروس تنگدستان بیش ازین زیور نمی‌دارد
(همان، ۳۹۲)

با این وجود از دیدگاه وی، شعر دارای دقایق و ظرایفی است که هرکسی را توانایی درک آن نیست. لذا افراد ناآشنا را از وارد شدن به آن باز میدارد:

پر خطرناکست بحر شعر نزدیکش مرو
گرچه بینی تا کجا خضر قلم را پا ترست
(همان، ۷۹)

معنی

شاعران سبک هندی معنی‌گرا بودند و کلیم به این امر توجه دارد. اشاره‌ی وی به گستردگی شاعران اهل معنا از

قم (مجازاً ایران، محل تربیت شاعران گروه اول) تا دکن (مجازاً هند، سکونتگاه شاعران گروه دوم) قابل تأمل است:

چنان آفاق گیر از خیل معنی که حد ملکش از قم تا دکن بود
(کلیم، ۱۳۶۹: ۱۱۹)

وی به هنگام بحث از معنی، واژه‌ی «بیگانه» را به دو معنا به کار برده است:

۱- «بیگانه» به معنای معنی بکر، که تلاش شاعران سبک هندی به جهت آن بوده است:

میرم از هرکه باشد آشنای من کلیم آشنای معنی بکر که آن بیگانه است
(همان، ۲۹۷)

۲- «بیگانه» به معنای انسان‌های فاقد ذوق هنری که پی به دقت معنی نمی‌برد:

بیگانه پی به دقت معنی نمی‌برد جز آشنا به داد سخنور نمیرسد
(همان، ۳۲۶)

کلیم همچون بیدل، معتقد است که برای کسب معنی بکر، دلی روشن و مصفاً لازم است:

بی‌سینه روشن رخ معنی ننماید آینه همین است عروس سخن را
(همان، ۲۲۶)

با وجود این، آوردن معنی بکر را همچون کندن کوه با تیشه، سخت می‌دانند:

معنی بکر تراشی چه بود کوه کنی خانه فکر کم از تیشه فرهاد نشد
(همان، ۳۷۲)

از دیدگاه کلیم، انتخاب الفاظ مناسب می‌تواند معنی کلام را رساتر کند و طراوت بیشتری به شعر بخشد:

میوه آب از پوست گیرد به بستان سخن لفظ اگر شاد است معنی پرور است
(همان، ۷۹)

از این جهت که معنی در نزد کلیم، همچون بیدل و شاعران دیگر سبک هندی اهمیت خاصی دارد، وی معنی را همراه با صفت‌هایی آورده است:

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی
معنی برجسته

«معنی برجسته»، معنی نو و بکری است که با باریک اندیشی و و ظرافت همراه باشد. کلیم شعر را نوعی الهام می‌داند و معنی برجسته را موهبتی از طرف حق می‌داند:

از اینکه دست امیدم کلیم کوتاه است خدا معانی برجسته داده قسمت من
(همان، ۵۲۸)

معنی بیگانه

«معنی بیگانه» معنی نو و بکری است که نهایت تلاش شاعران سبک هندی به جهت آن بوده است و در برخی موارد، آن را مترادف با «آشنادایی» امروزی آورده است:

آن نگاه آشنا سرمشق فکرم شد، کلیم آشنایم با هزاران معنی بیگانه ساخت
(همان، ۲۷۲)

از آن روی که معنی در سبک هندی دارای اهمیت خاصی بود، کلیم از افول و به سستی گراییدن معنی شیکوه کرده است:

تیره شد مشرق خورشید معانی افسوس محو شد مطلع برجسته دیوان سخن
(همان، ۸۶)

مضمون

توجه به مضامین شعری و مضمون آفرینی یکی از مشخصه‌های اصلی شعر سبک هندی است. از دیدگاه کلیم کسانی به شعر و شاعری اهمیت می‌دهند که به مضمون توجه داشته باشند:

غیر یارانی که مضمون می‌برند کس نمی‌بینم خریدار سخن
(همان، ۵۲۹)

بیت

پیش از این گفتیم که مبنای سخن در سبک هندی، بر «بیت» بوده است. «بیت» در شعر شاعرانی که در هند تربیت یافته بودند، پیچیده‌تر از ابیات شعر شاعران تربیت یافته در ایران، بود. کلیم نیز با توجه به اینکه در ایران تربیت یافته و بعدها به هند سفر کرده بود، به ساده بودن ابیات شعرش اشاره کرده است:

کلیم از شعر رنگین نیست بیت ساده می‌گوید عروس تنگدستان بیش از این زیور نمی‌دارد
(همان، ۳۹۲)

بیت در سبک هندی از دو بخش «پیش مصرع» و «مصرع» تشکیل می‌شد. شاعر توانا کسی بود که بتواند میان این دو مصرع ارتباط برقرار کند. از دیدگاه کلیم برقرار ساختن ارتباط میان این دو مصرع باعث آوازه‌ی شاعر می‌شود:

سکندر سد نمی‌بستی که نامش در جهان ماند دو مصرع را توانستی اگر بر یک‌دگر بستن
(همان، ۵۲۳)

سرقت ادبی

تلاش شاعران سبک هندی به جهت آوردن معانی تازه و بدیع بود. لذا کلیم، نه تنها به کار بردن معانی دیگران، بلکه کاربرد دوباره‌ی معانی از پیش ساخته‌ی خود را سرقت ادبی می‌شمرد:

چگونه معنی غیری به خود برم که معنی خویش دو باره بستن دزدیست در شریعت من
(همان، ۵۲۸)

کلیم از معانی سرقت شده با عنوان «دخول کج» یاد می‌کند و آن را لایق آوردن در شعر نمی‌داند:

دخول کج این شعر شناسان زمانه گر زلف شود لایق رخسار سخن نیست
(همان، ۲۷۸)

www.anjomanfarsi.ir

نتیجه‌گیری:

یکی از ویژگی‌های سبک هندی، پرداختن شاعران به مباحث نقد ادبی و سبک‌شناسی است. این مباحث اغلب در یک مصرع و یا یک بیت مطرح شده است. بیدل و کلیم از جمله شاعران بزرگ این سبک هستند که در شعر خویش به طرح مباحث فنون ادبی و سبک‌شناسی پرداخته‌اند. اغلب این مباحث با دیدگاه‌های سبک‌شناسی امروزی مطابقت دارند. این دو شاعر در اشعار خویش دیدگاه‌های خود را در رابطه با مباحثی همچون: طرز شعر، اهمیت معنی و مضمون، ساختار بیت، سرقت ادبی بیان کرده‌اند. دیدگاه‌های هر دو شاعر در این مباحث تقریباً شبیه به هم هست. به طور مثال هر دو شاعر، از سبک هندی با عنوان «طرز تازه» یاد کرده‌اند، هر دو بر اهمیت معنی واقف بوده و برای آن صفت‌هایی را برشمرده‌اند و هر دو بر ارتباط میان دو مصرع تأکید داشته‌اند. شایان ذکر است که این دو شاعر بزرگ، علاوه بر طرح مباحث انتقادی و سبک‌شناسی با اصطلاحات ادبی مضمون آفرینی کرده‌اند.

فهرست منابع

- بیدل دهلوی، عبدالقادر (۱۳۸۶)، *غزلیات بیدل*، به کوشش محمدسرور مولایی، چاپ اول، تهران: نشر علم.
- حسن پور آلاشتی، حسین (۱۳۸۴)، *طرز تازه (سبک شناسی غزل سبک هندی)*، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، *شاعری در هجوم منتقدان*، چاپ اول، تهران: نشر آگه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶)، *شاعر آینه‌ها*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگه.
- شمس لنگرودی، محمد (۱۳۶۷)، *گردباد شور جنون*، چاپ دوم، تهران: نشر چشمه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۹)، *سبک شناسی شعر*، چاپ ششم، تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۸۴)، *تاریخ ادبیات ایران (جلد چهارم)*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.
- کلیم همدانی، ابوطالب (۱۳۶۹)، *دیوان*، به تصحیح محمد قهرمان، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵)، *نقد ادبی در سبک هندی*، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- محبّتی، مهدی (۱۳۸۸)، *از معنا تا صورت*، تهران: انتشارات سخن.



دانشگاه هرمزگان



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir